

سرمقاله

بودجه ملی، تشدید بحران در کشور

محمد رضا هویدا

بودجه ملی در سالهای اخیر یک روند تکراری را طی می کند. بودجه با اعتراض های جدی نمایندگان مجلس همراه می شود. این اعتراضها اما به مواردی برمی خورد که سخت برای مردم افغانستان حیاتی و دارای ارزش هستند. بودجه از سوی وزارت مالیه طرح می شود و به پارلمان برای تصویب فرستاده می شود. بنابر این، وزارت مالیه مسئول طرح بودجه کشور است. وزراتی که مربوط به نهادهای بزرگی همانند ریاست جمهوری می شود و یا شماری از نهادها که از کودهای مشخصی می توانند پول استفاده کنند، نیز همیشه مورد انتقاد بوده اند.

بودجه افغانستان هنوز هم به مسائل امنیتی اولویت می دهد و بیشترین منابع اقتصادی را استفاده می کند. در کشوری مثل افغانستان که امنیت حرف اول را می زند، چنین مسئله چندان بی مورد نیست، اما در کشوری که بیشترین نیاز به مدد ملی و وحدت ملی دارد، انتظار عدالت در توزیع منابع عالی و اقتصادی کاملا بجاست و هر کسی می تواند این انتظار را داشته باشد که دولت برای تامین عدالت به همان اندازه کوشا باشد که برای امنیت می کوشد. بودجه ای که اساسی ترین مسایل مطروحه در قانون اساسی را در نظر نگیرد، نمی تواند به اهدافی که قانون اساسی تعیین کرده است برسد.

بودجه ای که نتواند به نیازهایی همانند نیاز به عدالت و امنیت و مبارزه با فساد اداری پاسخ بگوید، چگونه می تواند اهدافی چون کشور امن، با ثبات و متزکی را تعقیب نماید.

بودجه افغانستان به دو بخش عادی و انکشافی تقسیم می شود که هر دو بخش درمورد عدالت اجتماعی مشکلات اساسی دارند. بحث از عدالت در کشوری که می خواهد با فساد اداری مبارزه کند.

یک نیاز جدی است. دولت نمی تواند بی توجه به عدالت اجتماعی باشد و انتظار مبارزه با فساد اداری را داشته باشد. اولین نهادها و نمودهای اراده دولت برای مبارزه با فساد اداری را باید در طرح بودجه ملی شاهد باشیم.

معضل زیاده خواهی نیز که به خصوص در تخصیص بودجه به کودهای خاص که معمولا در اختیار مقامات رده اول کشوری قرار دارد، در سالهای متعادی دیده می شود. همین کودها نیز در گذشته به باور منتقدان به خاطر زیاده خواهی ها و مصرف بر اساس سلیقه و خواست افراد مورد استفاده قرار گرفته است. نکته مهمی که در افغانستان در مورد بودجه ملی دیده می شود این است که رد شدن بودجه و اعتراضات و انتقادات به آن همیشه در هر سال تکرار می شوند. آیا ادارات و افرادی که بودجه ملی را می سازند قادر نیستند بودجه را به گونه ای بسازند که اعتراضات و انتقادات وسیعی را در بی نداشته باشد و یا اینکه نمایندگان پارلمان بدون دلیل هر ساله به بودجه اعتراض می کنند و واقعا اگر حالت اولی درست باشد چرا دولت تدبیری نمی اندیشد که ظرفیت بودجه سازی در کشور به اندازه ای بالا برود که بتواند بودجه ملی را به گونه ای بسازد که مجبور نشویم ماه ها برای تصویب آن منتظر باشیم.

در حالی که معضل کابینه به حال خود باقی است مسئله بودجه ملی نیز وارد مسایل دیگر شده است. بحث و جنجال های تکراری و وقت گیر که رد و بدل شدن طرح بودجه میان قوه مقننه و مجریه را به دنبال دارد فضای سیاسی کشور را تیره تر می سازد.

دولت مردمان ما در این یکی دو سال اخیر واقعا بیشترین ضربه را به اقتصاد کشور وارد ساختند

سر خلاف ادعاهای تیم های رقیب در زمان کمپاین ریاست جمهوری اکنون تیم های رقیب که حکومت وحدت ملی را تشکیل می دهند، بی توجه به وضعیت مردم و بازار، با ادامه بحران و بن بست کابینه و همین گونه اضافه شدن معضل بودجه ملی، هر روز وضعیت اقتصاد، سیاست و بازار را خرابتر می کنند.

بعید به نظر می رسد که حکومت بتواند به خواست مردم و نمایندگان مردم در مورد بودجه ملی و مسایل دیگر کشور توجه نماید و فوری نماید.

ادامه این وضعیت خسارات جبران ناپذیری بر وضعیت کلی کشور وارد خواهد ساخت.

پولیس؛ چالش ها و موانع

عبدالرحمن فهیمی



پولیس کشور است. پس پرسش اصلی که مطرح می شود این خواهد بود که نیروهای پولیس ملی با چه چالش ها و موانع مواجه است؟

به نظر می رسد که پولیس کشور، با چالش های نظیر مصروف شدن در جنگ با گروه طالبان، فساد و بی سوادی است.

۱- جنگ با طالبان همسان گونه که مطرح شد، پولیس ماموریت مهار نسا امنی های اجتماعی را دارد. به عبارت دیگر، پولیس نافذ قانون بوده و مکلف است با برهم زندگان نظم و امنیت افغانستان، کند. اما پولیس افغانستان، گذشته از مبارزه با برهم زندگان نظم و امنیت اجتماعی، درگیر مبارزه با برهم زندگان امنیت سیاسی شده است. هم با شبکه های قاچاق مواد مخدر و انسان، باند های آدم ربا و اختطاف گر و فساد اداری مبارزه می کند و هم در شهرها و روستاها با نیروها و جنگنده های طالبان جنگ می کند. ارتش ملی ماموریت پاک سازی و تصرف برخی منطقه ها را دارد، اما پولیس جهت نگهداشتن و دفع تهدیدهای طالبان، ناگزیر در حمله های آن ها مقابله کرده و در یک جنگ نابرابر، قربانی می دهند.

جنگ با گروه طالبان، تهدید جدی در برابر نیروهای پولیس است. زیرا پولیس با امکانات اندک نظامی اما گروه طالبان با امکانات و تجهیزات مکمل نظامی حمله می کنند. این امر باعث شده است که تلفات امنیتی اجتماعی ست. خیلی به ندرت اتفاق می افتد که پولیس تهدیدهای سیاسی را مورد توجه قرار داده و برخی هفته جاری هفته آشنایی با نیروهای پولیس نام گذاری شده است. هدف، جذب اعتماد و همکاری های مردم به نیروهای امنیتی است. البته این اقدام در جای خود ارزشمند و مثبت می نماید. این گونه امنیت روانی افکار عمومی بیشتر و بهتر تامین می شود.

این نگارش موجز در بی واکاوی چالش های مهم فساد اداری

که متهمان و مجرمان جنایی نیز قبل از رسیدن به نهادهای عدلی و قضایی رها می شوند. آمرین حوزه های امنیتی و فرماندهی های امنیتی در سطح ولایت و یا شاید افراد سطح پایین، متهمان و مجرمان را در برابر پول رها می کنند. این امر، به عنوان یک چالش بنیادین و مهم است و اگر وضعیت تغییر نکند، نیروهای بی شماری تلف خواهند شد.

۲. فساد همکاران فرار کنند و یا اصلا انگیزه ای بویستن را از دست دهند. به هر صورت، تبدیل شدن نیروهای پولیس به عنوان نیروی مبارز در افغانستان، موجب شده است که نیروهای بی شماری تلف شود. این امر، به عنوان یک چالش بنیادین و مهم است و اگر وضعیت تغییر نکند، نیروهای بی شماری تلف خواهند شد.

۳. فساد همکاران فرار کنند و یا اصلا انگیزه ای بویستن را از دست دهند. به هر صورت، تبدیل شدن نیروهای پولیس به عنوان نیروی مبارز در افغانستان، موجب شده است که نیروهای بی شماری تلف شود. این امر، به عنوان یک چالش بنیادین و مهم است و اگر وضعیت تغییر نکند، نیروهای بی شماری تلف خواهند شد.

۴. فساد همکاران فرار کنند و یا اصلا انگیزه ای بویستن را از دست دهند. به هر صورت، تبدیل شدن نیروهای پولیس به عنوان نیروی مبارز در افغانستان، موجب شده است که نیروهای بی شماری تلف شود. این امر، به عنوان یک چالش بنیادین و مهم است و اگر وضعیت تغییر نکند، نیروهای بی شماری تلف خواهند شد.

۵. فساد همکاران فرار کنند و یا اصلا انگیزه ای بویستن را از دست دهند. به هر صورت، تبدیل شدن نیروهای پولیس به عنوان نیروی مبارز در افغانستان، موجب شده است که نیروهای بی شماری تلف شود. این امر، به عنوان یک چالش بنیادین و مهم است و اگر وضعیت تغییر نکند، نیروهای بی شماری تلف خواهند شد.

گروه های مخفی شمال ایتالیا بود. فرانسوی قهرمان بود. نام واقعی فرانسوی سلطنت طلب، ادگار دو یونگو بود. وی چنان ضد کمونیست بود که بعد از جنگ به گروه راست افراطی دیوست و متهم به شرکت در یک کودتای ارتجاعی شد. ولی چه اهمیتی دارد؟ سوتگو [۶] هنوز در رؤیاهای کودکیم جا دارد. رهایی، تعهدی بود که مردم از هر سلیکی در دوش گرفته بودند.

امروزه در ایتالیا برخی می گویند که جنگ رهایی بخش، دوران غم انگیز اختلافات بود و اکنون محتاج آشنایی ملی هستیم. خاطرات آن سال های وحشتناک باید سرکوب شوند. ولی حاصل سرکوب بیماری روانی است. در حالی که آشتی به معنای شفقت و احترام برای تمام مبارزان است، بخشودن به معنای فراموش کردن نیست. حتی می توانم تصور کنم که آیشمن [۷] نیز به مأموریتش ایمان داشت ولی حاضر نیست به او بگوید: «خب، حالا برگرد سر کارت». باید با تکیه اینکه «آن ها» هرگز نباید چنان اعمال را تکرار کنند، آنچه زنده است را صادقانه بازگو کنیم.

ولی «آن ها» کیستند؟ با تأملی در بساره ی حکومت های دیکتاتوری اروپای پیش از جنگ جهانی دوم، به راحتی می توان دریافت که بازگشت آن ها در شرایط تاریخی دیگر، ممکن نیست. فاشیسم موسسولینی بر پایه ی نظریات رهبر پرچمد، نظام سیاسی متکی بر گروه های متشکل سیاسی و دارای شخصیت حقوقی [۸]، بر آرمان «سرنوشت نازگیز روم»، توسعه طلبی امپریالیستی، ملی گرایی آنتین، ایده آل ملتی متشکل از گروه های منظم پیراهن سیاهان، رد دمکراسی پارلمانی و ضد یهودی گری سامان یافته بود. اتحاد ملی [۹] که از «جنبش اجتماعی ایتالیایا» نشأت گرفت، مسلامحزبی دست راستی است: اما قربانی به فاشیسم قدیمی ندارد. البته در باره ی نوزادی های ایتالیا، اروپا و روسیه احساس نگرانی می کنم، اما فکر نمی کنم نازیسم به شکل اولیه ی خود که ملتی را در بر گرفته بود، بازخواهد گشت.

با وجود این که رژیم های سیاسی می توانند سرنگون شوند و ایدئولوژی ها به نقد کشیده شوند و از اعتبار بیفتند، فکر می کنم هر

فاشیسم ابدی

زند. میمو گروهان قدیمی ارتش، که در همراهی با دولتی او در همان اولین برخورد ها) یک پایش را از دست داده بود، در بالکن شهرداری، با رنگی پریده سعی در آرام نمودن چارتی می کرد. من که تمام نوزادان دبستان سخنرانی های موسولینی را با لاجساز از بر کرده بودم، منتظر سخنرانی میمو بودم. سکوت. صدای میمو گرفته بود و به زحمت شنیده می شد. او گفت: «شهروندان و دوستان! پس از این همه قربانی درنناک ... اینک گرد هم آمدیم. یاد کسانی که برای آزادی جان دادند، جاودان. همین! و برگشت داخل ساختمان. غریب جمعیت بلند شد و پارتیزان ها هم برای بزرگداشت پیروزی تیر هوایی در می کردند.

و ما بچه ها هم در پی جمع آوری بسک کلوله ها که آن روز ها کلکسیون می شد، به جستجو پرداختیم ولی آن روز آموختم که آزادی بیجان، به معنای آزادی از خطابه و لفاظی است.

چند روز بعد، اولین سربازان گروه آمریکایی را دیدم. آفریقایی - آمریکایی بودند. اولین پانگی که دیدم سیاه پوستی بود به نام جوزف که مرا با دنیای دیک ترنسی [۲] و اینر کوچولو [۳] آشنا ساخت. کتاب داستان های مصورش رنگی بودند و خوشبو.

یکی از افسران در ویلای دوستانم مسکن داده شده بود. این ویلا، در باغش، خانم ها با سروان مادی به فرانسه ای دست و پا شکسته گپ می زدند. سروان آدمی تحصیل کرده بود و کمی هم فرانسه می دانست.

بنا بر این اولین تصویری که از نیروی آزادی بخش آمریکایی داشتیم، آن هم بعد از تمام آن چهره های رنگ باخته ی پیراهن سیاهان، صورت مردی سیاه و با فرهنگ در یونیفرم سبز - زرد ی بود که به فرانسه می گفت: «جبه خاتم، بسیار ممنون، من هم شامپانی دوست دارم...» متأسفانه شامپانی در کار نبود ولی سروان مادی اولین آدمیسم را که تمام روز جویدمش به من داد. شب،

در ۱۹۴۲، در ده سالگی، جایزه ی اول مسابقات ورزش جوانان [۱] را (برنامه ای اجباری برای جوانان فاشیست، - یعنی تمام جوانان ایتالیایی-) بردم. قطعه ای هنتری در پاسخ به مقاله ای به عنوان «آیا باید برای سرفرازی موسولینی و ابدیت ایتالیا جان دهیم؟» نوشته بودم. بچه ی زرنگی بودم و پاسخ به این سؤال مثبت بود.

در ۱۹۴۳، مفهوم «آزادی» را دریافتم. داستان را در آخرین سخنرانی نقل خواهم کرد. در آن زمان «آزادی» هنوز به معنای «رهایی» نبود. دو سال از دوران نوجوانی ام در محاصره ی اس اس ها، فاشیست ها و رزمندگان مقاومت گذراندم و سیاه گفتم چگونه از گلوله جاخالی بدهم. آموزش خوبی بود.

در اپریل ۱۹۴۵، پارتیزان ها میلان را گرفتند و دو روز بعد به شهر کوچک ما رسیدند. لحظه ای شادی آور بود. میدان اصلی ملو از مردم پرچم به دست بود که آواز می خواندند و میمو، رهبر محلی مقاومت راصدا می کرد.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکااتورست: خالق علی زاده

دبیران: حسن زاده، محمد صالحی، علی اصغر زاهدی، مصطفی، مسئول وب سایت: محمد علی بیهامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۲۷

افغانستان  
The Daily Afghanistan

روزنامه  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading International Magazine